

## باسمه تعالی

۲ ..... **اوامر**

۲ ..... **تعبدی و توصلی**

۲ ..... **مقتضای اصل عملی**

۲ ..... قول به احتیاط بنا بر مسلک مرحوم آخوند در اخذ قصد امر

۲ ..... اجرای برائت شرعیه در دوران بین اقل و اکثر و عدم جریان آن در قصد قربت

۳ ..... سوق کلام مرحوم آخوند در رابطه با اجرای برائت عقلی و عدم اجرای آن

۳ ..... فارق دو مسأله: شک در اسباب شرعیه و غیر شرعیه

۴ ..... عدم فرق بین اسباب شرعی و عقلی در قبح عقاب بلا بیان

۴ ..... ترتب و عدم ترتب احتیاط بر فرق بین قصد قربت و دوران بین اقل و اکثر

۴ ..... عدم ترتب احتیاط بر فرق بین قصد قربت و دوران بین اقل و اکثر

**موضوع:** مقتضای اصل عملی / تعبدی و توصلی / اوامر

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد مقتضای اصل عملی در موارد شک در تعبدی و توصلی بود. مرحوم آخوند فرمود: هر چند که در دوران بین اقل و اکثر قائل به برائت شویم، ولی وقتی شک در قصد قربت می شود، باید احتیاط را جاری کرد. زیرا برائت عقلی و شرعی در شک در قصد قربت جاری نیست. جاری نشدن برائت عقلی به این دلیل است که عقل حکم به لزوم تحصیل غرض می کند. لذا اگر قصد قربت امتثال نشود شک در سقوط تکلیف می شود و مجرای شک در سقوط تکلیف احتیاط است. اما جاری نشدن برائت شرعیه نیز به این دلیل است که قصد قربت وضعش به ید شارع نیست تا با رفع ما لا یعلمون برداشته شود.

## اوامر

### تعبدی و توصلی

### مقتضای اصل عملی

#### قول به احتیاط بنا بر مسلک مرحوم آخوند در اخذ قصد امر

بحث در مقتضای اصل عملی بر مسلک مرحوم آخوند بود. ایشان اخذ قصد قربت را حتی به امر ثانی ممکن نمی دانست. بعضی گفته اند که این موضوع، داخل در بحث دوران امر بین اقل و اکثر ارتباطی است. لذا هر کس در دوران بین اقل و اکثر قائل به برائت است در این جا نیز برائت جاری می کند و هر کس که قائل به احتیاط است در این جا نیز احتیاط جاری می کند.

مرحوم آخوند فرموده است: در قصد قربت مجالی برای برائت نیست. زیرا بین قصد قربت با دوران اقل و اکثر تفاوت وجود دارد. ممکن است کسی برائت در دوران بین اقل و اکثر جاری کند، ولی در قصد قربت، باید قائل به احتیاط شود. ایشان مدعی است که در دوران امر بین اقل و اکثر هر چند که برائت شرعی و عقلی را جاری بکنیم ولی در این جا برائت جاری نیست. در دوران امر بین اقل و اکثر اشتغال عقلی را جاری می کنند، اما برائت شرعی را هم جاری می کنند. در تعلیقه فرموده است: در دوران امر بین اقل و اکثر علاوه بر این که مجرای برائت عقلیه نیست، مجرای برائت شرعیه نیز نیست. چون علم اجمالی منحل نیست، لذا مانع از جریان برائت شرعی است.

**نتیجه:** از منظر مرحوم آخوند نقطه اساسی تفاوت بین دوران بین اقل و اکثر و بین قصد قربت این است که در دوران بین اقل و اکثر هر چند بتوانیم شبهه غرض و علم اجمالی را حل کنیم و برائت عقلی را جاری بدانیم اما در قصد قربت اصلاً برائت عقلی جاری نمی شود.

#### اجرای برائت شرعیه در دوران بین اقل و اکثر و عدم جریان آن در قصد قربت

مرحوم خوئی فرموده است که ادعای ( فارق بین دوران بین اقل و اکثر و قصد قربت ) مرحوم آخوند در خصوص برائت شرعیه است. یعنی در هردو مساله نسبت به اشتغال عقلی فرقی نمی کند و شبهه غرض در هر دو جا وجود دارد. اما برائت شرعی را مرحوم آخوند در دوران بین اقل و اکثر قبول دارد ولی در قصد قربت قبول ندارد. پس در دوران بین اقل و اکثر

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۷۵.

۲ موسوعة الامام الخوئی، السید أبو القاسم الخوئی، ج ۴۳، ص ۵۵۴.

برائت شرعی را قبول کرده است چون اکثر وضعش به ید شارع است لذا در صورت شک، با رفع ما لا یعلمون برداشته می شود. اما در قصد قربت وضعش به ید شارع نیست پس برائت شرعی جاری نیست.

### سوق کلام مرحوم آخوند در رابطه با اجرای برائت عقلی و عدم اجرای آن

به نظر ما ادعای مرحوم خویی درست نیست. اصل ادعای مرحوم آخوند در حکم عقل است. ممکن است در دوران بین اقل و اکثر برائت عقلی جاری شود ولی در این قصد قربت جای قبح عقاب بلا بیان نباشد. فارق آن این است که در قصد قربت داخل قاعده اشتغال است. زیرا در قصد قربت تکلیف و مکلف به را می دانیم. مثلاً ذات خمس را می دانیم که واجب است. بر خلاف باب اقل و اکثر که داخل در قاعده اشتغال نیست. زیرا اشتغال مردد است بین اقل و اکثر. یعنی مکلف به را نمی دانیم و به تبع آن محدوده‌ی تکلیف را نمی دانیم پس قبح عقاب بلا بیان جاری می شود.

اصرار ما این است که مرحوم آخوند می خواهد فارق بین حکم عقل را بگوید. یعنی مرحوم آخوند می خواهد بگوید که هر چند که در دوران بین اقل و اکثر شبهه غرض و علم اجمالی جواب داده شود ولی در قصد قربت یک خصوصیتی وجود دارد که قبح عقاب بلا بیان جاری نیست. اما برائت شرعیه که واضح است در این جا جاری نمی شود. در تقریرات نیز به این مطلب تصریح کرده است.

### فارق دو مسأله: شک در اسباب شرعیه و غیر شرعیه

مرحوم نائینی<sup>۱</sup> یک فارق دیگری بین مسأله دوران امر بین اقل و اکثر و قصد قربت بیان کرده است. ایشان فرموده است فارق بین قصد قربت و دوران بین اقل و اکثر، در اختلاف مسبب است. گاهی اوقات غرض، مسبب از اسباب غیر شرعیه است و گاهی اوقات مسبب از اسباب شرعیه است. مثلاً اگر مامور به احتراق باشیم این مسبب از امر تکوینی است. گاهی اوقات ما مامور به تحصیل طهارت از غسلات و مسحات هستیم. در مسببی که اسبابش شرعی است و دوران بین اقل و اکثر است، برائت جاری است. اما اگر شرعی نیست جای برائت شرعی نیست. محل کلام ما که بحث قصد قربت است از قسم غیر شرعی است. یعنی مسبب که غرض است اگر تعبدی باشد مثلاً مرکب از خمس و قصد قربت است که قصد قربت شرعی نیست و امر غیر شرعی دخیل است، در این موارد برائت شرعی جاری نیست. زیرا مسبب و غرض روشن است که تحصیل غرض است. اسباب

۱ اجود التقریرات، نائینی، ج ۱، ص ۱۱۷.

هم که به ید شارع نیست، عقل می گوید که باید به نحوی عمل شود که غرض تحصیل شود. اما اگر در مسببی که از اسباب شرعی حاصل شده باشد شک شود جای براءت وجود دارد چون به ید شارع است.

### عدم فرق بین اسباب شرعی و عقلی در جریان قبح عقاب بلا بیان

مرحوم نائینی نسبت به این فرقی که بیان شد یک اشکال بنائی دارد و یک اشکال مبنایی دارد. اما اشکال بنائی این است که در جریان براءت عقلی به قبح عقاب بلا بیان فرقی بین اسباب شرعی و عقلی نیست. شرعی که واضح است و در عقلی نیز داستان شک در محصل و متحصل مطرح است. در هر دو مورد، جایگاه اشتغال است. مثلاً ما شک داریم که آیا سبب طهارت خبثیه صب الماء بلا عصر است یا سبب طهارت صب الماء مع العصر است. عصر یک امر تکوینی است. یک بحثی است که در طهارت خبثی عصر واجب است یا نه؟ زیرا شارع صب و عصر را سبب طهارت قرار داده است. اگر در حصول طهارت شک شود و براءت جاری شود و حکم به عدم حصول طهارت بشود چنین حکمی خلاف امتنان است. لذا مجالی برای جریان براءت در هر دو مورد نیست. پس این فارق هم درست نیست

از لحاظ مبنایی نیز درست نیست زیرا ملاکات مسببات نیستند. در بحث اجزاء این بحث مطرح خواهد آمد که ملاکات مسببات نیستند. در بحث اجزاء چنین بحثی مطرح است که آیا نسبت افعال به اغراض، نسبت اسباب و مسببات است یا نسبت آنها نسبت معادات است؟ بیشتر به ذهن می آید که رابطه آنها سبب و مسبب است.<sup>۱</sup>

### ترتب و عدم ترتب احتیاط بر فرق بین قصد قربت و دوران بین اقل و اکثر

قطعا فرقی بین قصد قربت و دوران امر بین اقل و اکثر وجود دارد. حال بحث این است که این فارق سبب احتیاط می شود یا نه؟ همچنین این مطلب درست است که فرض کلام این است که اخذ قصد امر به ید شارع نیست ولی در دوران بین اقل و اکثر وضعش به ید شارع هست. اما بحث این است که این مقدار فرق می تواند احتیاط را در محل بحث اثبات کند؟

### عدم ترتب احتیاط بر فرق بین قصد قربت و دوران بین اقل و اکثر

چه بسا گفته شود که این فرق موجب احتیاط نمی شود. هر چند که حدود تکلیف معلوم است اما این که عقل حکم به اشتغال می کند درست نیست. اگر در جایی تکلیف معلوم بود و شک در سقوط تکلیف شود و منشا شک نیز به خاطر این باشد که

<sup>۱</sup> تتمه کلام مرحوم نائینی در جلسه آینده خواهد آمد.

متعلق اتيان شده است يا نه؟ در اين جا قاعده اشتغال جاري مي‌شود. اما در محل كلام تكليف معلوم است و مكلف به معلوم است و شك در سقوط نيز واضح است اما شك در سقوط از اين جهت نيست كه شك در اتيان متعلق تكليف است. زيرا متعلق تكليف، اتيان شده است. بلكه شك ما از جهت شك در حصول غرض است. در جايي كه تكليف و مكلف به معلوم باشد و شك در سقوط تكليف به خاطر شك در اتيان متعلق باشد، اشتغال جاري است. اما در جايي كه منشا شك حصول غرض باشد، قاعده اشتغال جاري نمي‌شود. زيرا فرض كلام اين است كه ذات خمس متعلق تكليف است و اتيان شده است. شك در حصول غرض است كه اگر قصد قربت دখيل باشد غرض حاصل نشده است و اگر دخيل نباشد غرض حاصل شده است.

در حقيقت موضوع قاعده اشتغال جايي است كه منشا شك به خاطر شك در اتيان متعلق باشد. اما محل بحث ما اين خصوصيت وجود ندارد. همان طوري كه اگر وجوب قنوت را بيان نكند، عقل، قبح عقاب بلا بيان را جاري مي‌كند در جايي كه غرض مجهول باشد عقاب مولا قبيح است. پس اين كه مرحوم آخوند فرمود مجرای اشتغال است چون شك در سقوط است، به نحو مطلق صحيح نيست.

به نظر ما مرحوم آخوند التفات به اين اشكال داشته است و فرموده است كه در هر دو مورد عقاب مكلف بلا بيان نيست. مصحح آن اين است كه عقل نمي‌تواند احتجاج بكند كه غرض را كه نگفتي. زيرا شارع مي‌تواند براي بيان قصد قربت به حكم عقل اكتفا كند. بر خلاف قصد وجه و تميز كه اين گونه نيست. ادامه بحث در جلسه آينده خواهد آمد.

<sup>۱</sup> اين مطلب از كلمات مرحوم شهيد صدر استفاده مي‌شود. كتاب بحث، ج ۲ ص ۱۰۵